

## بررسی روایات رؤیت هلال و دلالت آنها بر رؤیت با ابزار نوین

ابراهیم ابراهیمی\*

دکتر سید محمدرضا امام\*\*

### چکیده

در جوامع روایی شیعه، مانند کتب اربعه و وسائل الشیعة و جوامع روایی اهل سنت، مانند صحیح مسلم و صحیح البخاری، ملاک اصلی برای شروع ماه قمری، رؤیت هلال است. مسأله رؤیت هلال در عصر حاضر با پدیده تلسکوپ و مانند آن، یکی از مسائل نوپیدایی است که مورد اختلاف پژوهشگران واقع شده و آنان را به دو گروه موافق و مخالف تقسیم کرده است.

عده‌ای با استناد به روایات «صم للرؤية و افطر للرؤية» و روایت علی بن جعفر رضی الله عنه چشم مسلح را در رؤیت هلال معتبر می‌دانند و بعضی از به دلیل انصراف روایات به چشم متعارف و برخی دیگر طریقت راه‌های رؤیت هلال، چشم مسلح را بر نمی‌تابند. در این مقاله ادله طرفداران هر دو نظریه طرح شده و به بررسی آنها می‌پردازیم. کلید واژه‌ها: رؤیت، هلال، طریقت، موضوعیت، اطلاق، انصراف، تلسکوپ، مسلح.

### درآمد

باتوجه به اهمیت بحث از کیفیت اثبات هلال و حلول ماه قمری به دلیل الزامات شرعی و حقوقی و عرفی - که با حلول یا عدم حلول ماه قمری ایجاد می‌شود - و با عنایت به ظاهر روایات رؤیت، آیا دیدن و رصد کردن هلال با چشم مسلح برای حکم به آغاز ماه قمری و وجوب روزه یا اعلام عید فطر و قربان یا شب‌های مبارک قدر... کفایت می‌کند؟ یا این که رؤیت هلال از نظر شارع مقدس همان رؤیت با چشم متعارف و عادی است که شامل عموم مردم، اعم از خواص و عوام،

\* عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه اراک.

\*\* استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران (استاد راهنمای رساله دکتری).

مسافر و حاضر می‌شود، و ابزار مذکور تنها می‌تواند زمینه رؤیت را فراهم کند یا هلال رؤیت شده را قطعی نمایند.

به عبارت دیگر، آیا دیدن ماه - که بهترین و اساسی‌ترین راه اثبات هلال و مورد تأکید روایات است - می‌تواند هم با چشم متعارف باشد و هم با چشم مسلح؟ یا دیدن، منحصر به رؤیت با چشم غیر مسلح است، و از نظر شارع، فقط رؤیت و دیدن هلال ماه، با چشم مجرد و بدون استفاده از ابزار، اعتبار دارد؟

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد: یکی این که چون روایات رؤیت، مطلق و فراگیر است، شامل هر نوع ابزاری می‌شود. دیگر، این که گر چه روایات رؤیت مطلق است، ولی رؤیت‌پذیری با چشم متعارف موضوعیت دارد.

مباحث این مقاله در دو مبحث، بر پایه این دو دیدگاه تنظیم می‌شود.  
قبل از ورود به بحث لازم است که دو واژه ذیل را تعریف و تبیین نماییم:

### ۱. رؤیت هلال

رؤیت از رأی به معنای دیدن و نگاه کردن است؛<sup>۱</sup> همان‌طور که در قرآن آمده است:

﴿فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَسِنِ أُمِّ يَهُودِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ﴾.<sup>۲</sup>

هلال، مشتق از «هَلَّ»، به معنای «بدأ و ظهر» یا «صرخ» است و چون مردم، هنگام رؤیت آن، صدای خود را به فریاد و تکبیر و تهلیل، بلند می‌کردند، به آن هلال گفته‌اند و «استهل الصبی» از همین باب است؛ یعنی کودک هنگام ولادت، گریه و سر و صدا کرد.<sup>۳</sup>

در سوره بقره، آیه ۱۸۹ می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْهَلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾.

گروهی در مورد هلال ماه از پیغمبر اسلام ﷺ پرسش‌هایی داشتند و از علت و نتایجی که این موضوع در بر دارد، جويا می‌شدند، که قرآن سؤال آنها را به این صورت منعکس کرده است.  
راغب می‌گوید:

هلال - که جمع آن اهله است - به معنای بلند کردن صداست که وقت دیدن ماه و استهلال صبی (گریه کردن کودک) از آن گرفته شده است.<sup>۴</sup>

ولی مرحوم طبرسی در مجمع البیان معتقد است که واژه هلال در اصل، از استهلال صبی، یعنی

۱. مفردات غریب القرآن، ماده رأی.

۲. سوره انعام، آیه ۷۷.

۳. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۱، ماده هل.

۴. مفردات غریب القرآن، ماده هلال.

گریه کودک در آغاز تولد گرفته شده، سپس برای آغاز ماه به کار رفته و نیز از آنجا که حاجیان صدای خود را به لبیک بلند می‌کنند، «اهل القوم بالحج» گفته می‌شود.<sup>۵</sup>

و در جای دیگر می‌فرماید: سه شب اول ماه را هلال می‌گویند و از شب چهارم تا آخر ماه را قمر می‌گویند.<sup>۶</sup>

و فخر الدین طریحی در تفسیر غریب القرآن همین معنا را برگزیده است.<sup>۷</sup>  
زیبیدی آورده است:

هلال، یعنی شب اول ماه یا دو شب اول ماه و بقیه شب‌ها قمر نامیده می‌شود.<sup>۸</sup>  
در صحاح اللغة، شب اول تا سوم را هلال دانسته است و استهلال را به تبتین و ظهور تفسیر کرده است؛ چون ممکن است شخصی استهلال کند، ولی هلال را رؤیت نماید.<sup>۹</sup>  
مرحوم آیه‌الله خویی<sup>۱۰</sup> در تعریف هلال می‌فرماید:

كون الهلال عبارة عن خروجه عن تحت الشعاع بمقدار يكون قابلاً للرؤية و لو في الجملة؛  
هلال عبارت است، خروج آن از تحت الشعاع به مقداری که قابلیت رؤیت، هرچند در برخی از مناطق را داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

بنابراین، هلال، عبارت است از خارج شدن ماه از زیر شعاع، به میزانی که دیده شدن آن، امکان‌پذیر باشد، دیدن، تنها یک راه است و جزء موضوع نیست، اگر هلال تحقق یابد و از آن سوی، علمی نسبت به آن پیدا شود، خیال و گمان، موضوع تحقق نمی‌یابد و حکم نیز بر آن مترتب می‌شود.

## ۲. طریقت و موضوعیت

واژه طریقت در اصطلاح اصولیان در مقابل سببیت قرار دارد، ولی ما در بحث مورد نظر، طریقت را در برابر موضوعیت قرار داده‌ایم.

منظور از طریقت، با توجه به موضوع بحث، این است که طریقت صفتی برای رؤیت است و هیچ‌گونه دخالتی در صاحب طریق ندارد؛ یعنی اماره (رؤیت هلال) موضوعیت ندارد و آنچه موضوع حکم است، مثلاً شهر رمضان یا اعیاد فطر و قربان... است و علم به حلول این موضوعات از هر راهی و با هر کیفیتی که به دست آید، حجت است.

و منظور از موضوعیت، با توجه به موضوع بحث، این است که موضوعیت، صفتی برای رؤیت است؛ به اعتبار اثری که بر آن مترتب است؛ یعنی واقع، به رؤیت بدون واسطه مقید شده است. به

۵. مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۶.

۶. همان، ج ۴، ص ۹۲.

۷. غریب القرآن، ص ۴۸۶.

۸. تاج العروس، ج ۱۵، ص ۸۰۸.

۹. صحاح اللغة، ج ۵، ص ۱۸۵.

۱۰. رساله حول مسأله رؤیه الهلال، ص ۸۴.

عبارت دیگر، موضوعیت، صفت قطع، به اعتبار اثری است که مترتب بر خود قطع است، و خود قطع در موضوع حکم دخالت دارد. به همین سبب، جانشین پذیر نیست.<sup>۱۱</sup>

### مبحث اول. دیدگاه اطلاق و فراگیری روایات

موافقان روایت با چشم مسلح و غیر متعارف، در مجموع، به دو دلیل، توانسته‌اند یا می‌توانند تمسک کنند: یکی به اطلاق روایات روایت و دیگر، به روایت علی بن جعفر رضی الله عنه. ابتدا برداشت و توجیه موافقان روایت با چشم مسلح را بیان کرده، آن‌گاه استدلال آنان را نقد نموده و در پایان، برداشت خود را ارائه خواهیم داد.

### دلیل اول. تمسک به اطلاق آیات و روایات

قایلان به اطلاق معتقدند که از اطلاق روایات وارد شده، هیچ گونه قرینه‌ای که دلالت بر انصراف داشته باشد، استفاده نمی‌شود و می‌گویند:

همان طور که روایت با ابزاری مانند عینک کفایت می‌کند، روایت با ابزاری قوی‌تر - که در واقع تغییری ایجاد نمی‌کند - نیز کفایت می‌کند؛ زیرا به طور قطع، می‌توان روایت را به کسی که با تلسکوپ می‌بیند نیز استناد داد.<sup>۱۲</sup>

### روایات مورد استناد قایلان به اطلاق

روایاتی که دلالت بر اطلاق و فراگیری دارد، به سه طایفه قابل تقسیم است، که ابتدا آن روایات را نقل کرده و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

### طایفه اول. روایاتی که روایت را متوجه شخص مکلف کرده است

۱. صحیحۃ حلبی، عن ابي عبدالله رضی الله عنه قال:

إنه سئل عن الأهلّة؟ فقال: هي أهلة الشهر، فإذا رأيت الهلال فصم، وإذا رأيت فافطر؛<sup>۱۳</sup>  
از اهله سؤال شد. امام رضی الله عنه فرمود: اهله هلال ماه هاست؛ هرگاه هلال (رمضان) را رویت کردی،  
روزه بگیر و هرگاه هلال (شوال) را رویت کردی، افطار کن.

۲. صحیحۃ منصور بن حازم، عن ابي عبدالله رضی الله عنه انه قال:

صم لرؤية الهلال و أفطر لرؤيته ...؛<sup>۱۴</sup>  
با رویت هلال (رمضان) روزه بگیر و با رویت هلال (شوال) افطار کن.

۳. صحیحۃ عبدالرحمن بن ابي عبدالله قال:

۱۱. رک: فرائد الاصول، ص ۳۰؛ نهاية الاصول، ص ۴۰۳.

۱۲. اعتبار ابزار جدید در رویت هلال با چشم مسلح، ص ۱۸۱-۱۸۵.

۱۳. وسائل الشیعة، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۳، ج ۱؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۱.

۱۴. همان، باب ۳، ج ۸؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۴۳۶؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۰۵.

سألت ابا عبد الله عليه السلام عن هلال شهر رمضان يغم علينا في تسع وعشرين من شعبان؟ فقال: لا تصم إلا أن تراه، فان شهد اهل بلد آخر فاقضه؛<sup>۱۵</sup>  
روزه نگیر مگر این که هلال را ببینی.

طایفه دوم، روایاتی که جمع را مخاطب قرار داده است

۱. صحیحة محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

إذا رأيتم الهلال فصوموا، وإذا رأيتموه فأفطروا، وليس بالرأى ولا بالتظنى ولكن بالرؤية.<sup>۱۶</sup>  
هرگاه هلال (رمضان) را رؤیت کردید، روزه بگیرید و هرگاه هلال (شوال) را رؤیت کردید، افطار کنید و هلال فقط با رؤیت ثابت می شود، نه با احتمال و گمان.

۲. صحیحة محمد بن قیس، عن أبي جعفر عليه السلام قال:

قال امير المؤمنين عليه السلام: إذا رأيتم الهلال فأفطروا...؛<sup>۱۷</sup>  
هرگاه هلال را (رمضان) رؤیت کردید روزه بگیرید.

طایفه سوم، روایاتی که بدون خطاب وارد شده است

۱. صحیحة فضیل بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام، أنه قال:

ليس على أهل القبلة إلا الرؤية، وليس على المسلمين إلا الرؤية؛<sup>۱۸</sup>  
بر اهل قبله و بر مسلمین فقط رؤیت حجت است.

۲. معتبرة فضل بن شاذان، عن الرضا عليه السلام (فی حدیث) أنه كتب إلى المأمون:

وصيام شهر رمضان فريضة، يصام للرؤية و يفطر للرؤية؛<sup>۱۹</sup>  
روزه ماه رمضان واجب است. با رؤیت (هلال ماه رمضان) روزه گرفته می شود و با رؤیت (هلال ماه شوال) افطار می شود.

نقد اطلاق روایات رؤیت

اصل اولی در الفاظ، به مقتضای مقدمات حکمت، اطلاق است؛ مگر آن که در مقابل آن، دلیل یا قرینه ای بر تقیید باشد و بدون قرینه، نمی توان ادعای انصراف کرد؛ لکن از این روایات نمی توان اطلاق را استفاده کرد؛ زیرا اطلاق مورد نظر یا باید اطلاق زمانی یا اطلاق مکانی باشد و یا اطلاق ابزاری، و هر سه اطلاق در اینجا منتفی است.

۱. از روایات رؤیت، اطلاق زمانی فهمیده نمی شود؛ زیرا منظور از رؤیت، رؤیت هلال در شب

۱۵. همان، باب ۳، ج ۹؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۴۳۹؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۰۶.

۱۶. وسائل، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۳، ح ۲؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۴۳۳؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۰۳.

۱۷. همان، باب ۳، ح ۱۱۰؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۸، ح ۴۴۰؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۰۷.

۱۸. همان، باب ۳، ح ۱۱۲؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۸، ح ۴۴۲؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۰۹.

۱۹. همان، باب ۱، ح ۷؛ عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱.

اول ماه جدید است؛ یعنی پس از سپری شدن ماه قبل و آغاز ماه نو؛ نه رؤیت هلال در شب دوم و سوم... پس رؤیت به شب اول ماه نو و آشکار شدن آن بعد از خروج از محاق مقید است.

۲. از روایات رؤیت، اطلاق مکانی هم فهمیده نمی‌شود؛ چون رؤیت از نظر مکانی به ساکنان زمین مقید است و دیدن هلال توسط ناظر آسمانی، برای ساکنان زمینی اعتبار ندارد؛ گر چه روایات رؤیت، مقید به افق ناظر نیست و برای تمام ساکنان زمین حجت است.

۳. از روایات رؤیت، اطلاق ابزاری هم فهمیده نمی‌شود و قدر متیقن، رؤیت با چشم عادی و متعارف، موضوع حکم است. بنابراین، رؤیت به رؤیت در شب اول ماه برای ساکنان زمین با چشم متعارف و معمولی مقید شده است.

به علاوه، لازمه پذیرش این قول - که هم رؤیت با چشم مسلح اعتبار دارد و هم رؤیت با چشم غیر مسلح - منجر به قبول تخییر بین اقل و اکثر خواهد بود که هیچ پژوهشگری آن را نمی‌پذیرد.

#### ادله نفی تخییر بین اقل و اکثر

در احادیث شریف، موضوعاتی چون رؤیت و نظر و سمع وجود دارد که احکام و آثاری بر آنها مترتب شده است. این روایات از یک لحاظ به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای از روایات باید بر مطلق حمل کرد و دسته‌ای دیگر را باید منحصر به چشم عادی دانست و الا تخییر بین اقل و اکثر لازم می‌آید که گفته شد، هیچ پژوهشگری آن را نمی‌پذیرد.

#### اطلاق ابزاری دسته‌ای از روایات

روایات ذیل از باب استیناس - که ارتباطی با موضوع رؤیت هلال دارد - به دو دسته تقسیم می‌شوند: روایات دسته اول، روایاتی است که دیدن، گر چه طریق است، اما به گونه‌ای است که تحول ابزار و قدرت بینایی افراد را در بر می‌گیرد؛ مثل:

۱. نظر کردن به عورت دیگری یا نگاه کردن به اجنبیه و نامحرم

در حدیث مناهی آمده است که می‌فرماید:

... ونهی أن ينظر الرجل إلى عورة أخيه المسلم و قال: من تأمل عورة أخيه المسلم لعنه سبعون ألف ملك، ونهی المرأة أن تنظر إلى عورة المرأة، و قال: من نظر إلى عورة أخيه المسلم، أو عورة غیر أهله متعمداً أدخله الله مع المنافقین الذین کانوا یبحثون عن عورات الناس، و لم یخرج من الدنيا حتی یفضحه الله إلا أن یتوب؛<sup>۲۰</sup>

پیامبر ﷺ نهی فرموده از این که مرد به عورت برادر مسلمان خود نگاه کند و فرمود: کسی که با تأمل به عورت برادر مسلمانش بنگرد، هفتاد ملک او را لعن می‌کند. و پیامبر ﷺ نهی فرموده از این که زن به عورت زن نگاه کند و فرمود: کسی که به عورت برادر مسلمانش یا عورت غیر

مجرمش با تمعد بنگرد، خداوند او را در گروه منافقینی وارد می‌کند که درباره زشتی‌های مردم جستجو می‌کردند، و از دنیا نمی‌رود تا این که خداوند او را رسوا کند؛ مگر این که توبه کند.

۲. روایاتی که درباره فضیلت نظر به کعبه، نظر ذریه رسول خدا ﷺ نظر به والدین، نظر به مصحف... وارد شده است

الف. علی بن عبد العزیز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

من نظر إلى الكعبة بمعرفة فعرف من حقنا و حرمتنا مثل الذي عرف من حقها و حرمتها، غفر الله له ذنوبه، و كفاه هم الدنيا و الآخرة؛

کسی که با معرفت به کعبه بنگرد و حق ما و حرمت ما را بشناسد، مانند کسی است که حق و حرمت کعبه را بشناسد؛ خداوند گناهان او را می‌آمرزد و او را در آنچه هم دنیا و آخرت اوست، کفایت می‌کند.

ب. روایت سیف تمار از امام صادق علیه السلام قال:

من نظر إلى الكعبة لم يزل تكتب له حسنة، و تمحى عنه سيئة، حتى ينصرف ببصره عنها. و النظر إلى الوالدين عبادة، و النظر إلى المصحف من غير قراءة عبادة، و النظر إلى وجه العالم عبادة، و النظر إلى آل محمد علیهم السلام عبادة؛<sup>۲۱</sup>

کسی که به کعبه بنگرد، پیوسته برای او حسنه نوشته می‌شود و گناهان او محو می‌شود تا زمانی که نگاهش را از آن برگرداند، و نگاه به پدر و مادر عبادت است. و نگاه به قرآن (حتی) بدون قرائت عبادت است. و نگاه به صورت عالم عبادت است و نگاه به عترت پیامبر علیهم السلام عبادت است.

ج. شیخ صدوق قال: حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد علیه السلام قال: حدثني محمد بن الحسن الصفار، عن إبراهيم بن هاشم، عن علي بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا علیه السلام قال:

النظر إلى ذريتنا عبادة. فقيل له: يا ابن رسول الله! النظر إلى الأئمة منكم عبادة أو النظر إلى جميع ذرية النبي صلى الله عليه وآله؟ قال: بل النظر إلى جميع ذرية النبي صلى الله عليه وآله عبادة ما لم يفارقوا منهاجه و لم يتلونوا بالمعاصي.<sup>۲۲</sup>

۳. روایاتی که درباره شنیدن فضایل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمده است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إن الله تعالى جعل لأخي علي بن أبي طالب علیه السلام فضائل لا تحصى كثرة، فمن قرأ فضيلة من فضائله مقرأ بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، و من كتب فضيلة من فضائله لم تنزل الملائكة

۲۱. وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲۲. عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۵.

یستغفرون له ما بقى لتلك الكتابة رسم، و من استمع إلى فضيلة من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالسمع و من نظر إلى كتابة من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر.

ثم قال:

النظر إلى علي بن أبي طالب عليه السلام عبادة و لا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته و البراءة من أعدائه. ٣٣  
 خداوند متعال برای برادرم علی بن ابی طالب فضیلتی قرار داده است که از جهت کثرت، قابل شمارش نیست. پس هر کس فضیلتی از فضایل او را بخواند، در حالی که به آن اقرار دارد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد. و هر کس فضیلتی از فضایل او را بنویسد، پیوسته ملائکه برای او استغفار می‌کند تا زمانی که آثاری از آن نوشته باقی است. و کسی که به فضیلتی از فضایل او گوش فرا دهد، خداوند گناهانی که با گوش مرتکب شده است می‌آمرزد. و کسی که به نوشته‌ای از فضایل او بنگرد، خداوند گناهانی که با چشم مرتکب شده است می‌آمرزد.

سپس فرمود:

نگاه کردن به علی بن ابی طالب عبادت است و خداوند ایمان بنده را مگر با ولایتش و دوری از دشمنانش قبول نمی‌کند.

#### ٤. روایاتی که درباره شنیدن آیات قرآن یا نظر به آیات قرآن آمده است

عن أحمد بن محمد و عن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار جميعاً عن علي بن حديد، عن منصور، عن محمد بن بشير، عن علي بن الحسين عليه السلام و قد روى هذا الحديث عن أبي عبد الله عليه السلام قال:  
 من استمع حرفاً من كتاب الله من غير قراءة كتب الله له حسنة و محاه عنه سيئة و رفع له درجة و من قرأ نظراً من غير صلاة كتب الله له بكل حرف حسنة و محاه عنه سيئة و رفع له درجة و من تعلم منه حرفاً ظاهراً كتب الله له عشر حسنات و محاه عنه عشر سيئات و رفع له عشر درجات. قال: لا أقول بكل آية و لكن بكل حرف باء أو تاء أو شيهما. قال: و من قرأ حرفاً و هو جالس في صلاة كتب الله له به خمسين حسنة و محاه عنه خمسين سيئة و رفع له خمسين درجة و من قرأ حرفاً و هو قائم في صلاته كتب الله له مائة حسنة و محاه عنه مائة سيئة و رفع له مائة درجة و من ختمه كانت له دعوة مستجابة مؤخرة أو معجلة. قال: قلت: جعلت فداك! ختمه كله؟ قال: ختمه كله. ٣٤  
 هر کس به حرفی از کتاب خدا (حتی) بدون قرائت گوش فرا دهد، خداوند حسنه‌ای برای او می‌نویسد و گناهی از او محو می‌کند و او را درجه‌ای بالا می‌برد، و کسی که با نگاه، قرآن را در غیر نماز بخواند، خداوند در قبال هر حرفی حسنه‌ای برای او می‌نویسد و گناهی از او محو می‌کند و او را درجه‌ای بالا می‌برد، و کسی که حرفی از قرآن را که یاد گرفته است، آشکار کند، خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و ده گناه از او محو می‌کند و او را ده درجه بالا می‌برد. فرمود: نمی‌گویم با هر آیه‌ای و لکن با هر حرف «باء» یا «تاء» یا شبیه آن دو (به این مقامات می‌رسد) و

٣٣. بحار الأنوار، ج ٢، ص ٢٢٩.

٣٤. وسائل الشیعة، ج ٦، ص ١٨٨.



کسی که حرفی (از قرآن) در نماز بخواند، در حالی که نشسته باشد، خداوند برای او پنجاه حسنه می‌نویسد و پنجاه گناه از او محو می‌کند و او را پنجاه درجه بالا می‌برد، و کسی که حرفی (از قرآن) در نماز بخواند، در حالی که ایستاده باشد، خداوند برای او صد حسنه می‌نویسد و صد گناه از او محو می‌کند و او را صد درجه بالا می‌برد، و کسی که قرآن را ختم نماید، خداوند دعای حال و آینده او را به اجابت می‌رساند

۵. روایاتی که درباره شنیدن ندای مظلوم وارد شده است

محمد بن الحسن یاسناده، عن أحمد بن محمد، عن النوفلی، عن السکونی، عن جعفر، عن أبیه، عن أبائه قال: قال رسول الله ﷺ:

من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛<sup>۲۵</sup>  
کسی که فریاد مردی را بشنود که مسلمین را به کمک می‌طلبد، پس اگر او را اجابت نکند، مسلمان نیست.

رؤیت و نظر و سمع در این پنج روایت، به صورت مطلق آمده و انواع و اقسام آنها را در بر می‌گیرد؛ چه رؤیت و نظر و سمع عادی و بدون ابزار - که در زمان صدور رایج بوده است - چه رؤیت با ابزارهایی مانند دوربین و تلسکوپ یا بلندگو و رادیو و تلویزیون و اینترنت، و چون خود دیدن و نظر کردن و شنیدن موضوعیت دارند، از هر راهی، نظر روایات، احراز شود، حکم مترتب می‌گردد.

تقیید ابزاری دسته‌ای از روایات

روایات دسته دوم روایاتی است که خود دیدن یا شنیدن موضوعیت ندارد، بلکه دیدن یا شنیدن طریقی است برای فهمیدن مقداری از مسافت برای مسافر، در حال ورود به شهر یا خروج از شهر نسبت به شناخت حد ترخص؛ یا دیدن طریقی است برای قطع تلبیه، نسبت به کسی که می‌خواهد وارد شهر مکه بشود؛ یا دیدن طریقی است، برای کسی که می‌خواهد، اطمینان به حلول ماه نو پیدا کند؛ مثل:

۱. روایاتی که درباره حد ترخص در احکام مسافر آمده است

الف. محمد بن مسلم می‌گوید از امام صادق ع سوال کردم:

لرجل یرید السفر، متی یقصر؟ قال: إذا توارى من البيوت الحديث؛<sup>۲۶</sup>  
مرد اراده سفر می‌کند، چه زمانی نماز را کوتاه به‌جا آورد؟ فرمود: زمانی که خانه‌ها از او پنهان شود. در این روایت - که درباره حد ترخص وارد شده است - مسلماً، توارى (استتار) به توارى متعارف در زمان صدور اشاره دارد و نه به استفاده از دوربین و تلسکوپ و مانند اینها.

ب. عن عبدالله بن عامر، عن عبد الرحمن بن أبی نجران، عن عبدالله بن سنان، عن

۲۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۴۱.

۲۶. همان، ج ۸، ص ۴۷۰.

ابی عبدالله رضی الله عنه قال:

سألته عن التقصير، قال: إذا كنت في الموضع الذي تسمع فيه الاذان فقصر، وإذا قدمت من سفرک فمثل ذلك؛<sup>۲۷</sup> الذي لا تسمع فيه الاذان فقصر، وإذا قدمت من سفرک فمثل ذلك؛<sup>۲۷</sup> درباره تقصیر از امام رضی الله عنه سوال کردم، فرمود: اگر در مکانی قرار گرفته‌ای که در آنجا اذان را می‌شنوی، نماز را تمام به‌جا بیاور و اگر در مکانی قرار گرفته‌ای که در آنجا اذان را نمی‌شنوی، نماز را کوتاه به‌جا بیاور.

اگر بنا باشد در تشخیص حد ترخص، مثلاً هم رؤیت عادی و هم رؤیت با چشم مسلح معتبر باشد، معنایش تخیر بین اقل و اکثر خواهد بود؛ به این معنا که اگر کسی با چشم عادی دیوار شهر را ندید و یا صدای اذان را نشنید (مثلاً فاصله یک کیلومتر)، باید نماز را قصر به‌جا آورد و اگر با فاصله ده کیلومتری به وسیله دوربین دیوار شهر را مشاهده کرد، باید نماز را تمام به‌جا آورد.

۲. روایاتی که درباره قطع تلبیه وارد شده است

الف. محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، و عن محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان جميعاً، عن صفوان بن يحيى و ابن أبي عمير، عن معاوية بن عمار قال: قال أبو عبدالله رضی الله عنه:

إذا دخلت مكة و أنت متمتع فنظرت إلى بيوت مكة فاقطع التلبية، و حد بيوت مكة التي كانت قبل اليوم عقبة المدینين، فإن الناس قد أحدثوا بمكة ما لم يكن، فاقطع التلبية، و عليك بالتكبير و التهليل و التحميد و الثناء على الله - عز و جل - ما استطعت؛<sup>۲۸</sup> وقتی وارد مکه شدی، در حالی که محرم به عمره تمتع بودی و نگاهت به خانه‌های مکه افتاد، تلبیه را قطع کن.

ب. بإسناده عن موسى بن القاسم، عن عبد الرحمن، عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبدالله رضی الله عنه قال:

سألته عن تلبية المتمتع متى يقطعها؟ قال: إذا رأيت بيوت مكة؛<sup>۲۹</sup> از امام صادق رضی الله عنه سوال کردم: در عمره تمتع در چه مسافتی تلبیه را قطع کنم؟ فرمود: زمانی که خانه‌های مکه را دیدی.

دیدن در این دو روایت نیز برای قطع تلبیه طریق است و به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است و ملاک قدرت متوسط ناظر است و ابزار دیگری مانند دوربین و تلسکوپ جایگزین آن نمی‌شود؛ و الا تخیر بین اقل و اکثر لازم می‌آید که منافی با غرض شارع است. غرض شارع دید متوسط است.

۲۷. همان، ص ۴۷۲.

۲۸. همان، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

۲۹. همان، ص ۳۹۰.

## فرق طریقت و موضوعیت دیدن، در روایات

### مفهوم دسته اول روایات

دیدن و شنیدن در این دسته از روایات، موضوعیت دارد؛ یعنی خود دیدن و شنیدن موضوع است و برای چیز دیگری طریق نیست، و چیز دیگری غیر از دیدن و شنیدن، جانشین آن نمی‌شود و روایات مطلق و فراگیر است؛ مثلاً: نظر به نامحرم، چه با دوربین و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و فرقی بین دیدن با ابزارهایی مثل دوربین و دیدن بدون ابزار نیست.

همچنین است، ثواب شنیدن فضایل حضرت امیرالمؤمنین، چه با گوش و چه با تلفن همراه و رادیو و تلویزیون.... نیز شنیدن صدای مظلوم با هر ابزاری مسؤولیت‌آور است. نظر به کعبه، نظر به مصحف شریف، شنیدن آیات قرآن با چشم و گوش متعارف یا به وسیله ابزار و وسایل ثواب گفته شده را در بردارد.

### مفهوم دسته دوم از روایات

دیدن و شنیدن در دسته دوم از روایات، موضوعیت ندارد؛ یعنی خود دیدن یا شنیدن موضوع نیست، بلکه دیدن و شنیدن طریق است. و ذوالطریق مقدار مسافتی است که مسافر باید در هنگام ورود یا خروج به آن آگاهی پیدا کند؛ اگر چه خود مکلف به خاطر عدم بینایی یا عدم شنوایی نتواند مقدار مسافت را تشخیص دهد.

درباره موضوع بحث نیز، مسلماً، شارع مقدس که حلول ماه را منوط به رؤیت فرموده، برای رؤیت موضوعیت قایل نیست؛ گر چه رؤیت با چشم متعارف موضوعیت دارد؛ زیرا اگر موضوعیت قایل بود، دیدن جانشین را نمی‌پذیرفت و راه‌های دیگری برای رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت هلال معرفی نمی‌کرد. و همان مقدار رؤیتی که در زمان شارع مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده، همان مقدار معتبر و موضوع حکم بود؛ یعنی رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت با چشم متعارف و معمولی.<sup>۳۰</sup>

### دلیل دوم. تمسک به اطلاق روایت علی بن جعفر<sup>علیه السلام</sup>

روایت معتبر علی بن جعفر<sup>علیه السلام</sup> از امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> که به دو صورت نقل شده است:

۱. به نقل از کتاب مسائل علی بن جعفر<sup>علیه السلام</sup> این گونه است: و رواه علی بن جعفر فی کتابه عن

احیه، قال:

سألته عن یری هلال شهر رمضان وحده و لا یبصره غیره، أله ان یصوم؟ فقال: اذا لم یشک فیه

فلیصم وحده و الا یصوم مع الناس اذا صاموا؛<sup>۳۱</sup>

از امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> پرسیدم: آیا کسی که به تنهایی، هلال ماه رمضان را می‌بیند و غیر از او کسی آن

۳۰. رک: مجله «بررسی حکم شرعی رؤیت»، ص ۱۱۵؛ «رؤیت هلال با چشم مسلح»، ص ۲۷-۱۳۶.

۳۱. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۶۰، ابواب احکام ماه رمضان، باب ۴، ح ۱ و ۲.

را نمی‌بیند، می‌تواند روزه بگیرد؟ فرمود: اگر در آن شک ندارد، باید تنها خود او روزه بگیرد؛ وگرنه، هرگاه مردم روزه گرفتند، او هم روزه بگیرد.

۲. به نقل از کتاب من لایحضره الفقیه، این گونه نقل کرده است:

انه سأل اخاه موسی بن جعفر رضی الله عنه عن الرجل یری الهلال فی شهر رمضان وحده و لایبصره غیره، أ له ان یصوم؟ قال: اذا لم یشک فلیفطر و الا فلیصم مع الناس؛<sup>۳۲</sup>  
علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر رضی الله عنه پرسید: مردی در ماه رمضان، هلال را به تنهایی می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند، آیا می‌تواند روزه بگیرد؟ امام فرمود: اگر شک ندارد، باید افطار کند و گرنه، با مردم روزه بگیرد.

ظاهر نقل اول، سؤال از هلال ماه رمضان است و ظاهر نقل دوم، سؤال از هلال ماه شوال است. با توجه به وحدت فقرات هر دو روایت، از نظر محتوا یک روایت است و دو روایت مستقل نیست. پژوهشگری در تحلیل روایت علی بن جعفر می‌نویسد:

مضمون هر دو، یکی است و آن این که اگر کسی به تنهایی هلال را می‌بیند و غیر از او کسی آن را نمی‌بیند، هرگاه شک نداشته و به رؤیت خود یقین داشته باشد، ترتب آثار ماه جدید بر او واجب است. تعبیر «بری الهلال وحده و لایبصره غیره» در دید انفرادی این شخص ظهور دارد؛ بدین معنا که تنها این شخص، هلال را می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند؛ نه این که کسی غیر از او هلال را ندیده است.

بنابراین، روایت یاد شده، ولو با اطلاق خود، دلالت دارد که این شخص، حتی با این فرض که چنین دیدی برای دیگر مردم ممکن نباشد - مثلاً چشم او دید غیرمتعارف داشته باشد - نیز همین حکم را دارد که در روایت آمده است. از این رو، مشروط کردن بینایی و رؤیت به دیدن با چشم متعارف و عادی، وجهی ندارد.<sup>۳۳</sup>

نقد نظریه اطلاق از روایت علی بن جعفر رضی الله عنه

این روایت در صدد تبیین وظیفه فردی بیننده است نه استفاده از ابزار؛ همان طور که فرموده‌اند: تعبیر «بری الهلال وحده و لایبصره غیره» در دیدن انفرادی این شخص ظهور دارد؛ بدین معنا که تنها این شخص، هلال را می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند. در این صورت، گر چه غیر از او کسی دیگری هلال را ندیده است، ولی عدم رؤیت هلال برای دیگران باعث سقوط تکلیف برای بیننده هلال نمی‌شود. مضمون این دو روایت، با مضمون روایات حلبی و منصور بن حازم و عبد الرحمن بن ابی عبدالله و موثقه اسحاق بن عمار و امثال آن - که قبلاً نقل کردیم - تفاوتی ندارد و همگی در صدد بیان تکلیف فردی و شخصی بیننده است.

۳۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۷، ح ۳۴۱.

۳۳. رؤیت هلال و ثبوت ماه، ص ۶۷-۶۹.

## مبحث دوم. دیدگاه عدم اطلاق و فراگیری روایات

کسانی که ابزار جدید را در رؤیت معتبر نمی‌دانند و اطلاق روایات را بر نمی‌تابند، به دو دلیل می‌توانند بر عدم اعتبار آن استدلال نمایند:

### دلیل اول. انصراف رؤیت هلال به چشم متعارف

از این منظر، رؤیت در روایات رویت هلال به دیدن با چشم معمولی انصراف دارد و موضوع، دیدن با چشم غیر مسلح است و شامل دیدن با چشم‌های مسلح نمی‌شود. بنابراین، به رویت و دیدن هلال با ابزار رصدی نمی‌توان در اعلام اول ماه نو اکتفا کرد. دلیل آن نیز جز انصراف ادله به چشمان معمولی نیست.

### دلیل دوم. عدم اعتبار ابزار جدید با تمسک به طریقت روایات رؤیت

هلال، عبارت است از خارج شدن ماه از زیر شعاع، به میزانی که دیده شدن آن، با چشم معمولی، نه به کمک دوربین نجومی، امکان‌پذیر باشد. دیدن، تنها یک راه است؛ یعنی اگر هلال، تحقق یابد و از آن سوی، علمی نسبت به آن پیدا شود، نه خیال و گمان، موضوع تحقق می‌یابد و حکم نیز، بر آن مترتب می‌شود؛ یعنی اصل رؤیت طریقت دارد؛ آن هم طریق برای حصول یقین یا اطمینان به رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت حلول ماه تازه و نو. و ذوالطریق تولد ماه نیست، بلکه رؤیت‌پذیری است؛ یعنی وجود هلال در مطلع. از روایات وارد شده استفاده می‌شود، که رؤیت نسبت به هلال، عنوان طریقی دارد و رؤیت طریق است برای اطمینان به رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت هلال ماه در آسمان، بعد از آن‌که از محاق خارج شده است؛ به مقداری که قابلیت رؤیت با چشم معمولی را داشته باشد.

### شاهد اول

روایات رؤیت، دیدن را مقدمه‌ای برای یقین قرار داده و فرموده‌اند: شهر رمضان با رأی و تظنی حاصل نمی‌شود.

الف. صحیحۃ محمد بن مسلم، عن ابي جعفر علیه السلام آورده است که فرمود:

إذا رأيتم الهلال فصوموا، وإذا رأيتموه فافطروا، وليس بالرأى ولا بالتظنى ولكن بالرؤية؛<sup>۳۴</sup>  
هرگاه هلال را (رمضان) رؤیت کردید، روزه بگیرید و هرگاه هلال را (شوال) رؤیت کردید افطار کنید. و با احتمال و گمان حاصل نمی‌شود، بلکه با رؤیت حاصل می‌شود.

ب. صحیحۃ إسحاق بن عمار، عن ابي عبدالله علیه السلام أنه قال:

فی کتاب علی علیه السلام: صم لرؤيته و أفطر لرؤيته، وإيّاك و الشكّ و الظنّ....<sup>۳۵</sup>

۳۴. وسائل الشیعة، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۳، ج ۲؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۴۳۳.

۳۵. وسائل الشیعة، ح ۱۱؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۸، ح ۴۴۲.

ج. صحیحة عثمان الخرزاز عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث:

انّ شهر رمضان فريضة من فرائض الله، فلا تؤدّوا بالتظنّي. <sup>۳۶</sup>

از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که مقصود از رؤیت در روایات، نفی رای، ظنّ و گمان بوده است و برای لزوم و وجوب صوم، باید یقین یا اطمینان به رؤیت‌پذیری هلال حاصل شود که این یقین یا اطمینان، به رؤیت یا امکان رؤیت با چشم معمولی بواسطه خود مکلف یا شهادت عدلین، حاصل می‌شود.

شاهد دوم

ملاک شروع ماه قمری، هلال است و رؤیت، طریق برای یقین یا اطمینان به رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت هلال است.

صحیحة حلبی عن ابی عبدالله علیه السلام:

انه سئل عن الأهلة: فقال علیه السلام: هي أهلة الشهور، فإذا رأيت الهلال فصم وإذا رأيت فافطر. <sup>۳۷</sup>

بنابراین آن چه به عنوان ملاک در روایات وارد شده، عنوان «رؤية الهلال» است و ملاک شروع ماه قمری، یقین یا اطمینان به رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت، هلال است. و مجرد خروج از محاق، میزان «رؤية الهلال» نیست، بلکه باید به اندازه‌ای از محاق خارج شود و از خورشید فاصله بگیرد که برای مردم روی زمین هنگام غروب خورشید قابل رؤیت باشد؛ یعنی ماه، باید در وضعیتی باشد که اگر یک نفر آن را دید، پنجاه نفر هم بتوانند آن را ببینند؛ ولی اگر یک نفر آن را دید و دیگران آن را ندیدند، این رؤیت قابل قبول نیست. این خود، بیانی در روایات از حدّ صفتی است که ماه باید دارای آن باشد و بدان گونه دیده شود؛ از جمله:

۱. روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام:

إذا رأيتم الهلال فصوموا وإذا رأيتموه فافطروا وليس بالرای ولا بالتظنّي ولكن بالرؤية. قال: و الرؤية ليس ان يقوم عشرة فينظروا فيقول واحد: هو ذا و ينظر تسعة فلا يرونه، إذا رآه واحد رآه عشرة آلاف. و إذا كانت علة فاتم شعبان ثلاثين؛ <sup>۳۸</sup>

هرگاه هلال را دیدید، روزه بگیرید و هرگاه آن را دیدید، افطار کنید. هلال با رای و گمانه زنی نیست، بلکه با رؤیت است و رؤیت، آن نیست که ده نفر برخیزند و نگاه کنند و یکی از آنان بگوید آن هلال است و نه نفر دیگر نگاه کنند و آن را نبینند. اگر یک نفر آن را ببیند، ده هزار نفر آن را دیده‌اند. هرگاه مانعی از رؤیت وجود داشت، ماه شعبان، سی روز تمام خواهد بود.

۲. روایت صحیح ابو ایوب ابراهیم بن عثمان بن الخرزاز از امام صادق علیه السلام:

۳۶. وسائل الشیعة، ح ۱۱۶، التهذیب، ج ۴، ص ۱۶۰، ح ۴۴۹.

۳۷. وسائل الشیعة، ح ۷، التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۴۳۴.

۳۸. وسائل الشیعة، باب ۱۱ از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۱۱، التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۴۳۳.

قلت له: کم یجزی فی روایة الهلال؟ فقال: ان شهر رمضان فریضة من فرائض الله فلا تؤدوه بالتظنی، و لیس رؤیة الهلال ان یقوم عدة فیقول واحد: قد رایته و یقول الاخرون: لم نره، اذا رآه واحد رآه منة و اذا رآه منة رآه الف. و لایجزی فی رؤیة الهلال اذا لم یکن فی السماء علة اقل من شهادة خمسين و اذا كانت فی السماء علة قبلت شهادة رجلین یدخلان و یخرجان من مصر؛<sup>۳۹</sup> از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دیدن چند نفر برای اثبات رؤیت هلال کافی است؟ فرمود: ماه رمضان فریضه‌ای از فرایض الهی است؛ پس آن را با گمان ادا نکنید. رؤیت هلال، آن نیست که عده‌ای برای رؤیت برخیزند، سپس یکی از آنان بگوید آن را دیده‌ام و دیگران بگویند ندیده‌ایم. هرگاه یک نفر هلال را دیده باشد، صدنفر آن را دیده‌اند و هرگاه صد نفر آن را دیده باشند، هزار نفر آن را دیده‌اند.

در رؤیت هلال، اگر در آسمان مانعی وجود داشته باشد، شهادت کمتر از پنجاه نفر کفایت نمی‌کند و اگر مانعی در آسمان وجود داشته باشد، شهادت دو مرد که (از جایی دیگر، به شهر وارد شده یا از شهر خارج شده و در جایی دیگر هلال را دیده باشند، پذیرفته می‌شود.

۳. روایت ابو العباس از امام صادق علیه السلام که فرمود:

الصوم للرؤية و الفطر للرؤية و لیس الرؤية ان یراه واحد و لا اثنان و لا خمسون؛<sup>۴۰</sup> روزه با رؤیت و فطر با رؤیت است و رؤیت، آن نیست که یک نفر یا دو نفر یا پنجاه نفر هلال را ببینند.

بنابر این، طریقت صفتی برای رؤیت است و هیچ‌گونه دخالتی در صاحب طریق ندارد؛ یعنی دیدن - که اماره است - موضوعیت ندارد، تا دیدن با هر ابزاری را شامل گردد؛ بلکه دیدن ابزار و طریقی برای یافتن پدیده‌ای است که آن پدیده موضوع حکم است. و این موضوع از هر راهی و با هر کیفیتی به دست آید، حجت است. و شارع طریقت رؤیت را جعل کرده تا مکلف را به واقع برساند که در صورت رسیدن به واقع منجز است و در صورت تخلف از واقع معذر است.

آنچه در شروع ماه قمری مهم است، امکان رؤیت هلال است؛ یعنی نور هلال بعد از ولادتش به درجه‌ای رسیده باشد که دیدن آن، با چشم عادی امکان‌پذیر باشد؛ چون میزان صرفاً رؤیت‌پذیری با چشم عادی غیر مسلح است. و در این زمینه ابزار فقط می‌تواند به عنوان کمک کار مورد استفاده قرار گیرد.

### مبحث سوم: سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان خویش به عنوان حاکم مسلمانان رؤیت‌پذیری با چشم متعارف را ملاک اول ماه قرار می‌دادند که نمونه‌هایی از آن را یادآور می‌شویم:

۳۹. وسائل الشیعة، ح ۱۰، التهذیب، ج ۴، ص ۱۶۰، ح ۴۵۱.

۴۰. وسائل الشیعة، ح ۱۲، التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۶، ح ۲۳۱.

۱. در سنن ابی داود به سند خویش از عکرمه، از ابن عباس آمده است که گفت:

جاء أعرابي إلى النبي ﷺ فقال: إني رأيت الهلال - قال الحسن في حديثه: يعني رمضان - فقال ﷺ: أتشهد أن لا إله إلا الله؟ قال: نعم. قال: أتشهد أن محمداً رسول الله؟ قال: نعم. قال ﷺ: يا بلال، أذن في الناس فليصوموا غداً؛<sup>۴۱</sup>

عرب بادیه نشینی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: من هلال را دیدم - حسن در روایت خود می گوید: یعنی هلال رمضان را -. پیامبر فرمود: آیا شهادت می دهی که خدایی جز خداوند وجود ندارد؟ گفت: بلی. فرمود: آیا شهادت می دهی که پیامبر رسول خداست؟ گفت: بلی. فرمود: بلال، در میان مردم اعلان کن که فردا را روزه بگیرند.

۲. از فرزند عمر روایت شده است که گفت:

ترأى الناس الهلال فأخبرت رسول الله ﷺ أنى رأيتهم فصام وأمر الناس بصيامه؛<sup>۴۲</sup>  
مردم در آسمان هلال را جستجو می کردند. من به پیامبر خدا ﷺ گفتم: من ماه را مشاهده کردم. آن حضرت روزه گرفت و مردم را فرمان داد که روزه بگیرند.

شاید شهادت آن عرب بادیه نشین و یا فرزند عمر با قرائن خارجی همراه بوده است که موجب وثوق و اطمینان پیامبر ﷺ می شده، و این گونه روایات با روایاتی که بر اعتبار تعدد در شاهد دلالت دارد، منافات ندارد.

۳. از فردی از اصحاب پیامبر ﷺ روایت شده که گفت:

اختلف الناس في آخر يوم من رمضان، فقدم أعرابيان فشهدا عند النبي ﷺ: بالله لأهلا الهلال أمس عشية. فأمر رسول الله ﷺ الناس أن يفطروا وأن يفدوا إلى مصلاهم؛<sup>۴۳</sup>  
در آخر ماه رمضان درباره عید فطر مردم اختلاف نظر داشتند، پس دو نفر بادیه نشین نزد پیامبر ﷺ آمدند و به خدا سوگند یاد کردند که در شب گذشته ماه را دیده اند. پیامبر ﷺ دستور فرمود که مردم روزه خود را افطار کنند و فردا برای اقامه نماز در مصلی حاضر شوند.

۴. ابن ماجه به سند خویش از ابی عمیر بن انس بن مالک خادم رسول خدا ﷺ روایت کرده

که گفت:

حدثني عمومي من الأنصار من أصحاب رسول الله ﷺ قالوا: أغمى علينا هلال شوال فأصبحنا صياماً فجاء ركب من آخر النهار فشهدوا عند النبي ﷺ أنهم رأوا الهلال بالأمس، فأمرهم رسول الله ﷺ أن يفطروا وأن يخرجوا إلى عيدهم من الغد؛<sup>۴۴</sup>

عموهای من از انصار، از اصحاب رسول خدا ﷺ برای من نقل کردند که گفتند: هلال ماه شوال بر ما پوشیده ماند و در نتیجه، ما روزه گرفتیم. در اواخر روز سوارانی خدمت رسول خدا ﷺ رسیده و شهادت دادند که در شب گذشته هلال را مشاهده کرده اند. پیامبر ﷺ به مسلمانان

۴۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۴۷، کتاب الصیام.

۴۲. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۹۰، باب ۲۶ از ابواب آداب سفر.

۴۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۴۶.

۴۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۲۹، کتاب الصیام.



دستور فرمود که روزه خود را افطار کنند و فردا برای نماز عید حاضر شوند

۵. در وسائل از حماد بن عیسی، از عبدالله بن سنان، از مردی روایت کرده که گفت:

صام علی علیه السلام بالكوفة ثمانية و عشرين يوماً شهر رمضان فأرأوا الهلال فامر منادياً ينادي: اقضوا يوماً فان الشهر تسعة و عشرون يوماً؛<sup>۴۵</sup>

علی علیه السلام در کوفه در ماه رمضان بیست و هشت روز روزه گرفت. آن‌گاه، هلال مشاهده شد. پس آن حضرت به منادی فرمان داد تا در میان مردم اعلام کند که یک روز روزه قضا بگیرند؛ زیرا ماه بیست و نه روز است.

البته در صورت صحت این روایت باید گفت: ائمه علیهم السلام مأمور به ظاهر بوده‌اند.

از این روایات استفاده می‌شود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام بدون این که از علم ویژه خود استفاده کنند، پس از ثابت شدن هلال توسط مردم با چشم متعارف، آن را برای مردم اعلام می‌فرموده‌اند.

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در غیر موارد اختصاصی آنان، الگوی سایرین است و پیروی از آنان واجب است.

### نتیجه

دیدن و شنیدن در دسته‌ای از روایات، موضوعیت دارد یعنی خود دیدن و شنیدن موضوع است و برای چیز دیگری طریق نیست، و چیز دیگری غیر از دیدن و شنیدن، جانشین آن نمی‌شود. و این دسته از روایات مطلق و فراگیر است. هم شامل چشم متعارف می‌شود و هم شامل چشم مسلح می‌گردد؛ مثلاً: نظر به نامحرم، چه با دوربین و تلسکوپ و چه با چشم عادی حرام است و فرقی بین دیدن از ابزارهایی مثل دوربین و دیدن بدون ابزار نیست.

دیدن و شنیدن در دسته دوم از روایات، موضوعیت ندارد؛ یعنی خود دیدن یا شنیدن موضوع نیست، بلکه دیدن و شنیدن طریق است. و ذوالطریق مقدار مسافتی است که مسافر باید در هنگام ورود یا خروج به آن آگاهی پیدا کند؛ اگر چه خود مکلف به خاطر عدم بینایی یا عدم شنوایی نتواند مقدار مسافت را تشخیص دهد. و شارع مقدس حلول ماه را منوط به رؤیت فرموده است. اگر برای آن موضوعیت قایل بود، راه‌های دیگری برای رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت هلال معرفی نمی‌کرد و دیدن، جانشین نمی‌پذیرفت.

بنابراین، همان مقدار رؤیتی که در زمان شارع مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده، همان مقدار معتبر و موضوع حکم است؛ یعنی رؤیت‌پذیری یا امکان رؤیت با چشم متعارف و معمولی. آنچه در شروع ماه قمری مهم است، امکان رؤیت هلال است؛ یعنی نور هلال بعد از ولادتش به درجه‌ای

۴۵. وسائل الشیعة، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۱۴، ح ۱.

رسیده باشد که دیدن آن، با چشم عادی امکان پذیر باشد؛ چون میزان صرفاً رؤیت پذیری با چشم عادی غیر مسلح است.

و در جواب قایلان به پذیرش چشم مسلح آمده است که لازمه این که هم رؤیت با چشم مسلح معتبر باشد و هم رؤیت با چشم غیر مسلح اعتبار داشته باشد، منجر به قبول تخییر بین اقل و اکثر خواهد بود. به این بیان، اگر کسی مثلاً با چشم عادی دیوار شهر را ندید و یا صدای اذان را نشنید (مثلاً فاصله یک کیلومتر) باید نماز را قصر به جا آورد و اگر همان فرد، با فاصله مثلاً ده کیلومتر به وسیله دوربین، دیوار شهر را مشاهده کرد، باید نماز را تمام به جا آورد. و درباره رؤیت هلال هم این گونه است.

### کتابنامه

- الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، محمد بن الحسن طوسی، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- الموسوعة الزحالية المیسرة او معجم الرجال الوسائل، علی اکبر ترابی، تحت اشراف جعفر سبحانی، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
- بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: موسسه وفاء، ۱۴۰۳ق.
- تاج العروس، سید محمد مرتضی زبیدی، علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- تفسیر غریب القرآن، فخرالدین طریحی، قم: انتشارات زاهدی بی تا.
- تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- رجال الطوسی، محمد بن الحسن طوسی، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ق.
- رساله حول مسأله رؤیه الهلال، محمد حسین حسینی تهرانی، نشر حکمت، بی تا.
- سنن، سلیمان بن اشعث سجستانی (ابی داود)، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
- سنن، محمد بن یزید قزوینی (ابن ماجه)، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
- صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری، احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، استانبول: دارالفکر لطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری، بیروت: دارالفکر لطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
- عبود اخبار الرضا، شیخ محمد بن علی بن الحسین بن بابویه صدوق، علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
- فرائد الاصول، شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
- کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه صدوق، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف

۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.

- لسان العرب، جمال الدين ابن منظور، قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق
- مجمع البيان في تفسير القرآن، ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خویی، بیروت: مدينة العلم، ۱۴۰۳ق.
- مفردات غريب القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانی، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- نهاية الاصول، حسينعلی منتظری، تقرير ابحاث آية الله بروجردی، قم: مطبعة الحكمة، ۱۳۷۵ش.
- وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن حر عاملی، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
- «اعتبار ايزار جديد در رؤيت هلال» محمد جواد فاضل لنكرانی، فصلنامه تخصصی فقه اهل بيت، حوزه علمیه قم، ش ۴۳، ۱۳۸۴ش.
- «بررسی حکم شرعی رؤیت هلال با چشم مسلح»، محمد سمیعی، مجله تحقیقات اسلامی ویژه استهلال ۲، ۱۳۸۴ش.
- «چند نکته در مورد رؤیت هلال»، ناصر مکارم شیرازی، فصلنامه تخصصی فقه اهل بيت، حوزه علمیه قم، ش ۴۳، ۱۳۸۴ش.
- «رؤیت هلال با چشم مسلح»، رضا مختاری، فصلنامه تخصصی فقه اهل بيت، حوزه علمیه قم، ش ۳۹ - ۴۰، ۱۳۸۳ش.
- «رؤیت هلال»، جعفر سبحانی، فصلنامه تخصصی فقه اهل بيت، حوزه علمیه قم، ش ۲۷، ۱۳۸۰ش.
- «رؤیت هلال و ثبوت ماه»، سيد محمود هاشمی شاهرودی، فصلنامه تخصصی فقه اهل بيت، حوزه علمیه قم، ش ۳۶، ۱۳۸۲ش.